

مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)
سال سوم، شماره سوم، (پیاپی ۱۰)، پاییز ۱۳۹۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۰
صص: ۱-۱۶

تحلیل ارتباط زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری با برخورداری خدماتی (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)

محمدامین خراسانی^{۱*}، محمدرضا رضوانی^۲

۱- استادیار دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران و عضو قطب علمی برنامه ریزی روستایی

۲- استاد دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران و عضو قطب علمی برنامه ریزی روستایی

چکیده

روستاهای پیرامون شهری در زمره سکونتگاه‌هایی قرار دارند که همزمان صحنه شکل‌گیری، رشد و تداوم فرصت‌ها و تهدیدهایی هستند که کیفیت زیست و نحوه تامین نیازهای ساکنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. زیست‌پذیری، یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماع‌های سالم در ارتباط است. سکونتگاه زیست پذیر را به عنوان مکان مناسب برای کار و زندگی تعریف نموده‌اند. منطقه مورد مطالعه در این پژوهش، روستاهای پیرامون شهری در سطح شهرستان ورامین و در مجاورت چهار نقطه شهری واقع در آن است. هدف از این پژوهش، بررسی ارتباط بین زیست‌پذیری و برخورداری خدماتی این روستاهاست. روش پژوهش تحلیلی بوده و با استفاده از یافته‌های میدانی و ادبیات جهانی حوزه زیست‌پذیری صورت پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بین نمره زیست‌پذیری هر روستا با ضریب توسعه یافتگی خدماتی آنها در روش موریس رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. همین همبستگی بین هر یک از ابعاد زیست‌پذیری با برخورداری خدماتی سنجیده شده است. بین هیچ کدام از ابعاد با برخورداری خدماتی ارتباط معنادار مشاهده نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: زیست‌پذیری، برخورداری خدماتی، ارتباط، روستاهای پیرامون شهری، شهرستان ورامین.

مقدمه

نظریه زیست‌پذیری اول بار بر مبنای کار آبراهام مازلو^۱ (۱۹۴۵) بر روی نیازهای انسانی شکل گرفت (رادکلیف، ۲۰۰۱: ۹۴۰). روانشناس نامی آمریکایی، آبراهام مازلو هرم نیازهای بشری را معرفی کرد. بر اساس این هرم، انسان‌ها در درجه اول سعی دارند نیازهای پایه‌ای خود را زودتر از نیازهای لایه‌های بالاتر برطرف سازند. نیازهای فیزیولوژیک و اساسی انسان شامل نیازهای حیاتی او هستند. مثل هوا، غذا، آب، گرما، خواب، سلامت و ارضای تمایلات جنسی. بر روی این پایه، لایه امنیت قرار گرفته است: احتیاج به منزل، کار، قانون، بیمه، خدمات بهداشتی نظم و ترتیب، امور اخلاقی، امنیت جسمی، امنیت مالی، برنامه‌ریزی زندگی و آینده‌سازی. لایه سوم شامل عوامل تعلقات روحی است؛ احتیاج به دوست، هم‌قطار، همسر، عشق، همسایه، محاوره و ارتباط با دیگران، تیمار و پرستاری. لایه چهارم شامل عوامل احترام و قدردانی است؛ احترام، اعتماد، موفقیت، مقام، پیروزی، قهرمانی و حتی ثروت و قدرت، رفاه اجتماعی، ثروت، قدرت، موفقیت، پیروزی، قهرمانی. بالاترین لایه، لایه تحقق خویش است؛ فردیت، پرورش استعداد، از خودگذشتگی، بزرگواری، هنر، فلسفه، اعتقادات، فقدان تبعیض. سه لایه پایینی لایه رفیع کمبودها هستند. به این معنی که رفع نیازهای این سه لایه اگرچه موجب احساس رضایت انسان می‌گردد، اما او را ترغیب به حرکت و پیشرفت نمی‌کند. مثلاً با خوردن آب تشنگی برطرف می‌شود، اما شخص درصدد بیشتر خوردن آب نمی‌افتد. لایه چهارم و لایه پنجم، قشر نیازهای به پیشرفت هستند.

اینها نیازمندی‌هایی هستند که هرگز برطرف نمی‌شوند.

این نظریه در حوزه مباحث کیفیت زندگی به طور کلی توسط وینهوون توسعه پیدا کرده است، کسی که توسعه‌دهنده این دیدگاه است که "احساس عمومی^۲ مردم به زندگی بهتری برای آن‌ها منجر می‌شود، زمانی که در اجتماع‌های بهتر و زیست‌پذیرتری زندگی کنند. وی معتقد است، این که دقیقاً چه اجتماعی زیست‌پذیرتر است، کاملاً روشن نیست، اما قدر مسلم این است که مردم در اجتماع‌هایی که نیازهایشان بهتر برآورده گردد، شادتر و راضی‌تر هستند (رادکلیف، ۲۰۰۱: ۹۴۰).

هدف از نگارش این مقاله پاسخ دادن به این سوال است که چه ارتباطی بین زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه در این پژوهش؛ یعنی روستاهای پیرامون شهری شهرستان ورامین با میزان برخورداری خدماتی آنها وجود دارد؟ این روستاها به دلیل مهاجرپذیر بودن و نزدیکی به شهر از وضعیت برخورداری خدماتی نسبتاً مطلوبی بهره می‌برند. حال بر آنیم که تاثیر این برخورداری خدماتی را بر زیست‌پذیری این روستاها مورد مذاکره قرار دهیم.

روش شناسی

روش پژوهش در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت و اهداف موضوع روش توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش، خانوار و روستا، هر دو به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده‌اند. بدین

ترتیب که وضعیت زیست‌پذیری روستاها از نظر خانوارهای ساکن در آن‌ها سنجیده می‌شود. بررسی روایی پرسشنامه‌های محقق ساخته معمولاً با استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان حوزه مورد بررسی پژوهش، انجام می‌پذیرد. برای بررسی روایی پرسشنامه خانوار که به عنوان ابزار اصلی این پژوهش برای سنجش زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری مورد استفاده قرار گرفته است، از نظرات کارشناسان رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی

روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، توسعه روستایی و جامعه‌شناسی بهره گرفته شده است. با توجه به ماهیت زیست‌پذیری و عوامل عمده تاثیرگذار و تاثیرپذیر از آن، جامعه آماری پژوهش حاضر سرپرستان خانوارهای روستایی در روستاهای مورد مطالعه در سال ۱۳۹۰ هستند. ابعاد، شاخص‌ها و نماگرهای پژوهش در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱- نماگرهای زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری به تفکیک ابعاد و شاخص‌ها

ابعاد	شاخص‌ها	نماگرها
اقتصادی	اشتغال و درآمد	داشتن شغل مناسب، امکان دسترسی به شغل مناسب در روستا یا شهر مجاور، تعدد فرصت‌های شغلی در روستا، درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در روستا، تعدد فرصت‌های شغلی در شهر مجاور، درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در شهر مجاور
	مسکن	استحکام بنای مسکن، برخورداری از حمام مناسب و بهداشتی در مسکن، برخورداری از سیستم گرمایش و سرمایش مناسب در مسکن، برخورداری از روشنایی کافی در مسکن، برخورداری از سیستم دفع بهداشتی فاضلاب در مسکن، مساحت مناسب و کانی مسکن، تعداد اتاق‌های کافی در مسکن
	حمل و نقل عمومی	ساعات کار وسایل نقلیه عمومی، تعداد وسایل نقلیه عمومی، تعداد وسایل نقلیه حمل بار، دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی
اجتماعی	امکانات و خدمات زیرساختی	کیفیت راه دسترسی به شهر، کیفیت راه‌های دسترسی به روستاهای اطراف، کیفیت معابر و میادین، کیفیت آب شرب روستا، کیفیت تامین نیازهای روزمره توسط فروشگاه (های) خواروبار روستا، کیفیت خدمات تعاونی روستایی یا تعاونی روستای محل مراجعه، کیفیت شبکه گازلوله کشی
	آموزش عمومی	فضای آموزشی مناسب و کافی مدارس، کیفیت دسترسی دانش آموزان به مدارس شهر مجاور، کیفیت تجهیزات آموزشی مدارس، کیفیت ساختمان‌های مدارس، کیفیت معلمان مدارس
	بهداشت	کیفیت خدمات شبکه (خانه بهداشت) روستا
	مشارکت و همبستگی	دلسوزی اهالی برای آبادانی روستا، ارتباط مردم با اعضای شورای اسلامی و دهیار روستا، خودیاری مردم در حین انجام پروژه‌های عمرانی در روستا، حضور و همفکری زنان روستا در امور روستا همانند مردان، روحیه کار گروهی در بین مردم روستا، میزان احترام مردم روستا به یکدیگر، قابل اعتماد بودن دهیار روستا، قابل اعتماد بودن اعضای شورای اسلامی روستا، استقبال دهیار و شورای اسلامی روستا از مشارکت مردم، قابل اعتماد بودن مردم روستا

تمایل به زندگی در روستا، حس دلتنگی در صورت دوری از روستا، دارای رابطه خوب با بستگان و همسایگان در روستا، امیدواری به بهبود شرایط زندگی در روستا، تمایل به اشتغال در روستا، تمایل به سرمایه‌گذاری در روستا، تمایل به گذران اوقات فراغت در روستا، اعتقاد به مناسب‌ترین مکان بودن روستا برای زندگی در سطح منطقه، زندگی در روستا با وجود شرایط کار و زندگی در شهر	پیوستگی و تعلق مکانی	
پایین بودن میزان جرایم (سوء مصرف مواد مخدر، سرقت و...)، پایین بودن نزاع‌های قومی و طایفه‌ای، پایین بودن میزان نزاع بین افراد بومی و تازه وارد، امنیت تردد زنان در طی شبانه روز، امنیت تردد پیاده در شب، امنیت تردد سواره در شب، امنیت عبور از جاده و خیابان از نظر سرعت اتومبیل‌ها در طی شبانه روز، کیفیت عملکرد پاسگاه انتظامی	امنیت فردی و اجتماعی	اجتماعی
کیفیت خدمات و تجهیزات سالن ورزش روستا یا محل مراجعه، کیفیت خدمات و وسعت کتابخانه روستا یا محل مراجعه، کیفیت خدمات اماکن فرهنگی و مذهبی مانند مسجد و حسینیه، کیفیت خدمات اماکن فرهنگی و تاریخی روستا، کیفیت خدمات فضاهای فراغتی و تفریحی مانند تالار اجتماع‌ها	تفریحات و اوقات فراغت	
وسعت فضای بازی کودکان یا فضای سبز روستا، کیفیت فضای بازی کودکان از نظر امنیت و نظافت، محل قرار گرفتن محل بازی کودکان یا فضای سبز روستا	فضاهای سبز و باز	
کیفیت جمع‌آوری زباله از سطح روستا، کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی، کیفیت جمع‌آوری فاضلاب، آرامش و فقدان آلودگی صوتی، آلودگی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه، آلودگی ناشی از کارگاه‌های صنعتی، آلودگی ناشی از نزدیکی به محل رهاسازی ضایعات و نخاله‌جات ساختمانی	آلودگی	زیست محیطی
چشم‌انداز زیبای طبیعی، چشم‌انداز مناسب ساختمان‌ها و معماری بناها، چشم‌انداز مناسب معابر و خیابان‌ها، چشم‌انداز فضای سبز	چشم‌انداز	

منبع: بررسی ادبیات پژوهش، ۱۳۹۰

اهمیت زیست‌پذیری

شهرهای بزرگ مصرف‌کننده سهم مهمی از منابع اکوسیستم مانند آب، جنگل‌ها و منابع اکوسیستم‌های آبی هستند. ورای دلایل اقتصادی، زیست‌پذیری هم به وسیله ساکنان و هم برنامه‌ریزانی که برای ایجاد فضاهای زندگی پایدار، کاربردی و لذت‌بخش کار و تلاش می‌کنند، مورد پذیرش و ستایش قرار گرفته است. سکونتگاه‌های زیست‌پذیرتر، احساس بیشتری از اجتماع و مالکیت را ایجاد نموده و نرخ مهاجرت از آنها پایین‌تر است. در حالی که ممکن است عده‌ای از ساکنان بهبود زیست‌پذیری را به عنوان وسیله‌ای برای بهبود ارزش املاک و مستغلات در نظر بگیرند، اما اکثریت ساکنان هر سکونتگاه

اهمیت زیست‌پذیری به طور روزافزونی ناشی از افزایش آگاهی نسبت به الگوهای ناپایدار زندگی و مصرف شهری است که نه سالم هستند و نه پایدار و در درازمدت موجب کاهش توان منابع محیطی برای حمایت از جمعیت کره زمین می‌شوند. پژوهش‌ها جدید پزشکی نشان می‌دهد که شیوع در حال فزونی مشکلات بهداشتی ناشی از آلودگی، همزمان شده است با پذیرش این موضوع که شهرها نقاط مهم ایجاد آلودگی در آب، خاک، و هوا هستند که این موضوع از پیشینه طولانی صنعتی سازی سنگین و تکیه بر اتومبیل‌نشأت می‌گیرد. مضاف بر این که

زیست‌پذیری را به عنوان عاملی برای بهبود شرایط مکان برای زندگی، خرید، استراحت، رشد کودکان و ایجاد اجتماع‌هایی از دوستان و خانواده‌ها می‌بینند. اما این نکته باید همواره مورد توجه قرار داشته باشد که نگرش مثبت در مورد یک اجتماع نمی‌تواند لزوماً به معنای این باشد که آن اجتماع دارای موقعیت مناسب از نظر زیست‌پذیری است. علت این مسأله این است که مردمی که از وضعیت خود ناراضی هستند، می‌توانند در مورد اجتماع خود دارای نگرش مثبتی باشند، زیرا آن‌ها از کمبودهای واقعی که در اجتماعشان وجود دارد و امکاناتی که می‌تواند در اجتماع وجود داشته باشد، آگاهی کافی ندارند (ایوانز، ۲۰۰۲: ۱۵)

تعریف زیست‌پذیری

به طور کلی تعاریف زیست‌پذیری و اجتماع زیست‌پذیر شامل مجموعه متنوعی از موضوعات مختلف است که به وسیله یکسری اصول راهنما بیان می‌شوند: دسترسی، برابری و مشارکت که مفاهیم مربوط به زیست‌پذیری بر مبنای آن‌ها شکل می‌گیرند. کیفیت زندگی شهروندان به میزان دسترسی آن‌ها به زیرساخت‌ها (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت)، غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی‌کننده، و فضای سبز و پارک‌ها بستگی دارد. زیست‌پذیری یک سکونتگاه همچنین به میزان دسترسی ساکنان آن به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری در راستای تامین نیازهایشان همبستگی دارد.

تعاریف ارائه شده تاکنون بیشتر با توجه به اهمیت تحول در اولویت‌های برنامه‌ریزی به سمت

نیازهای روزافزون جامعه فراصنعتی و در جستجوی تسهیلات و کیفیت زندگی بوده‌اند. در مقابل، مفهوم زیست‌پذیری به دلیل اهمیت تهدیدهای موجود در حوزه وضعیت کیفیت زندگی رشد یافته است. عواملی مانند رشد سریع، فقدان اراضی زراعی و فضاهای باز، کمبود مسکن، رشد نابرابری اجتماعی، ضعف رو به تزاید هویت محلی، مکانی و زندگی اجتماعی، تهدیدات جدی برای زیست‌پذیری اجتماع محسوب می‌شوند (فلوریدا، ۲۰۰۲؛ کوکین، ۲۰۰۰ و اینگلهارت، ۱۹۹۰). در ادامه تعدادی از تعاریف زیست‌پذیری و اجتماع‌زیست‌پذیر آمده است:

- فرهنگ لغت میریام وبستر^۳ و فرهنگ لغت آنلاین دانشگاه پرینستون^۴ (۲۰۱۰)، این اصطلاح را به معنای "مناسب برای زندگی بشر" تعریف نموده‌اند.
- مایکل ساوتورث^۵ معتقد است که زیست‌پذیری "یک ارزش دارای ابهام است که توسط افراد گوناگون به صورت متفاوتی تفسیر می‌شود."
- زیست‌پذیری به معنای کیفیتی است که نه ویژگی درونی محیط، بلکه کارکرد مرتبط با رفتار تعامل بین ویژگی‌های محیطی و ویژگی‌های فردی است (پاسیون، ۱۹۹۰).
- زیست‌پذیری به معنای ادراک از محیط زندگی روزمره است (موسسه آر.آی.وی.ام، ۲۰۰۱).
- توان فرد برای ساختن وضعیت زندگی روزمره اش را زیست‌پذیری می‌گویند (هارتولانوس، ۱۹۹۶: ۲).

روستاهای پیرامون شهری

مفهوم پیرامون شهری نخستین بار در کشورهای انگلوساکسون و توسط جغرافیادانان امریکایی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی استفاده شد. در این زمان این مفهوم به معنای عرصه‌ای به کار می‌رفت که در آن رشد و گسترش حومه شهری اتفاق می‌افتاد و کاربری‌های روستایی زمین به صورت بینابینی و مخلوط به انجام می‌رسید و بالاخره، پیرامون شهر جایی به شمار می‌آمد که عرصه در حال گذار بین شهر و روستا را تشکیل می‌داد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۷). البته در این میان، رویکرد ریخت‌شناختی و عملکردی عمدتاً بر مسائل پیرامون شهر تاکید داشت. در این مطالعات اساساً تاکید بر تحلیل عوارضی مانند تراکم، ریخت‌شناسی و تحول کاربری‌های زمین در قالب الگوهای برآمده از اثرگذاری‌های شهر استوار بود. البته این گونه رویکرد به نوبه خود توسط جغرافیادانان انسانی و روستایی مورد انتقاد قرار گرفت، اما بحث‌ها عمدتاً حول مسائل پیرامون شهری باقی ماند. استدلال منتقدان آن بود که چشم‌اندازهای در حال گذار شهر و روستا الزاماً منتج از روندهای اثرپذیری از کانون‌های شهری نیست. بر همین مبنا بود که اصطلاح‌هایی مانند روستا-شهری یا روستایی-شهری را وضع کردند. در همین ارتباط در دهه ۱۹۷۰ میلادی، مباحث نظری-ادراکی پیرامون‌های درباره این گونه مفاهیم درگرفت و اصطلاح‌های تازه‌ای مطرح گردید. برخی کوشیدند تا بین پیرامون شهر و حومه تفاوت قائل شوند. برخی دیگر فراتر رفته و اصطلاح‌هایی همچون شبه‌حومه، اقمارشهری، شبه‌اقمار، حاشیه درون‌شهری یا حاشیه برون‌شهری را مطرح ساختند. بعضی دیگر سعی نمودند میان

- دپارتمان حمل و نقل ایالات متحده آمریکا^۶ (۲۰۱۰)، زیست‌پذیری را "سرمایه‌گذاری در حمل و نقل، خدمات و مسکن به نحوی که دسترسی مناسب و کافی به آن‌ها از طریق گزینه‌های جابجایی پایدار و سازگار با محیط زیست، مهیا باشد." تعریف کرده است.

- در کتاب اجتماع‌های زیست‌پذیر؛ راهنمای ارزیابی، زیست‌پذیری را چنین تعریف نموده‌اند: "اجتماع زیست‌پذیر، اجتماعی است که مسکن مناسب، خدمات و حمایت‌های اجتماعی و گزینه‌های حمل و نقل کافی، آموزش، تنوع فرهنگی را فراهم آورد. این شرایط، استقلال فردی و مشارکت مدنی و اجتماعی ساکنان را فراهم می‌آورد" (موسسه آ.آ.آر.پی، ۲۰۰۵: ۲).

- زیست‌پذیری اشاره به روابط بین تعداد و ساختار جمعیت و شیوه زندگی ساکنان روستاها و سطح خدمات، اقتصاد محلی و مکان فیزیکی دارد (ورگانست، ۲۰۰۳: ۷).

- زیست‌پذیری به معنای پیوند با بهزیستی در سطح منطقه و شبکه‌های اجتماعی دارد (دوی‌ونداک و ولدوبره، ۲۰۰۰).

- زیست‌پذیری به معنای ارزیابی ساکنان از محیط زندگی است (وان‌کمپ و همکاران، ۲۰۰۳).

- روت وینهون (۱۹۹۵)، زیست‌پذیری را چنین تعریف نموده است: "اصطلاح زیست‌پذیری اشاره به درجه تامین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه دارد. یک جامعه غیر زیست‌پذیر به نیازهای افراد آن جامعه بی‌اعتنا است و احترام نمی‌گذارد".

برای فرزندانشان هستند (وان کمپ و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۹).

علی‌رغم تغییرات سریع و ناهمگون ترکیب اجتماعی آن‌ها، غالباً این نواحی دربرگیرنده مسکن گروه‌های کم درآمد، از گروه‌های شاغل در مشاغل شهری که در مسکن غیررسمی پیرامون شهرها زندگی می‌کنند تا کشاورزان خرده مالک و حاشیه ای که به وسیله فرایندهای پویای کاربری زمین و تغییرات بازار زمین تحت تاثیر قرار گرفته اند، می‌شود. فقرای ساکن در این نواحی، افراد آسیب پذیری هستند که تحت تاثیر بی توجهی‌های نواحی روستایی و شهری مجاور خود قرار دارند (وان کمپ و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۱).

روستای پیرامون شهر و روستای شهری (R/PU/U) یک سیستم را تشکیل می‌دهند که دارای ابعاد مختلف است:

- از نظر مهاجرت و شهری شدن، نواحی پیرامون شهری، نقش واسطه بین روستا و شهر را ایفا می‌کنند؛
- نواحی و مکان‌های پیرامون شهری، مکان‌های فشرده‌گی اجتماعی و تغییرات پویای اجتماعی هستند؛
- فهم نحوه کار این سیستم نیازمند تمرکز بر روی فرایندهایی است که شالوده آن را تشکیل می‌دهند؛

- مبنای فهم بین رشته ای دارد که پارادایم‌های فیزیکی، زیست شناختی و فرهنگی را در بر می‌گیرد؛
"جایای اجتماعی" شهری شدن در فضاهای روستایی و پیرامون شهری و شهری دارای نموده‌های متفاوتی است. اما زمانی قابل درک است که در یک پیوستار روستایی/پیرامون شهری/شهری مورد بررسی قرار بگیرد.

پیرامون شهر و حاشیه روستایی - شهری تفاوت قائل شوند و حتی برخی برای تبیین تفاوت در قلمروهای پیرامونی شهرها، مفاهیم نواحی روستایی غیرزراعی و نواحی روستایی زراعی را پیشنهاد نمودند. در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، پرایور^۷ (۱۹۶۸) کوشید تا مفهوم پیچیده و متنوع مورد استفاده در تبیین دگرگونی‌های حاصل از "تعامل پیرامون شهری" را بر اساس تحلیل مراحل مختلف نحوه تلفیق کاربری زمین طبقه بندی نموده، برای تبیین تمایز نواحی پیرامون شهری و حاشیه پیرامونی روستا شهری به کار گیرد. این تفاوت بر این اساس استوار بود که نواحی پیرامون شهری نسبت به میانگین نواحی شهری و روستایی، از تراکم بیشتر سکونتی، تجاری، صنعتی و همچنین از نرخ‌های بالاتر رشد جمعیت، روندهای شتابان تبدیل اراضی و الگوهای سیال ارتباطات جمعی و مواصلات بین سکونتی و شغلی (محل زندگی و محل فعالیت شغلی) برخوردارند. در مقابل "حاشیه پیرامونی روستا شهری" به واسطه تراکم کمتر جمعیتی، نسبت بیشتر اراضی و اراضی زراعی و همچنین روندهای کمتر پویای تبدیل و تغییر کاربری اراضی و آمدو شد روزانه به نواحی شهری مشخص می‌گردد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰).

اما این روستاها از جنبه تحولات جمعیتی نواحی در حال شهری شدن پذیرای دو جریان از سوی مهاجران هستند که تغییرات گسترده‌ای را در ثروت و موقعیت اجتماعی ایجاد می‌کنند: گروه اول فقرای شهری که در جستجوی شیوه زندگی روستایی‌تر و یا مسکن ارزان قیمت‌تر هستند و گروه دوم فقرای روستایی که در جستجوی کار و نیز فرصت‌های بهتر

رابطه بین میزان برخورداری از خدمات با سطح

زیست پذیری

در این بخش به بررسی تاثیر میزان برخورداری از خدمات بر سطح زیست پذیری روستاهای مورد مطالعه می‌پردازیم. بدین منظور از دو روش اسکالوگرام و موریس که روش‌هایی برای سطح بندی خدماتی روستاها و همچنین تعیین میزان توسعه یافتگی روستاها هستند، استفاده شده است.

از جمله مدل‌هایی که در تعیین نواحی همگن و درجه بندی سکونتگاه‌ها بر اساس خدمات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شاخص توسعه یافتگی موریس است. این شاخص با استفاده از اطلاعات دسترس برای هر واحد سکونتگاهی جایگاه توسعه یافتگی هر یک از واحدها را میان سایرین بر حسب هر یک از شاخص‌های انتخابی با بهره‌گیری از شاخص ناموزون موریس و در نهایت میانگین مجموعه شاخص‌ها را با استفاده از روش تحلیل، شاخص توسعه، به گونه‌ای ساده، لیکن در خور توجه و قابل تعیین و سپس به رتبه بندی سکونتگاه‌ها می‌پردازد.

روش موریس جزو روش‌هایی است که برنامه عمران سازمان ملل آنرا برای درجه بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی (کالبدی-انسانی) به کار برده که هم جدیدترین الگوی رسمی به کار گرفته در سطح جهانی بوده و هم اینکه قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضاهای مورد برنامه ریزی با مقیاس‌های مختلف و متنوع وجود دارد.

این مدل با دیدگاه فضایی و ناحیه‌ای انجام می‌شود و مجموعه‌ای از روستاها را مبنا قرار می‌دهد

و وضع موجود را برای برنامه‌ریزی آینده مورد توجه قرار می‌دهد. هدف در این روش این است که با بهره‌گیری از اطلاعات دسترس جایگاه سکونتگاه‌ها را در میان بقیه سکونتگاه‌ها بر حسب شاخص‌های انتخابی تعیین شود.

برای محاسبه شاخص توسعه یافتگی موریس از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$YIJ = \frac{x_{ji} - x_{jimin}}{x_{jimax} - x_{jimin}} \times 100$$

حداکثر J ام از هر I ام، Xjima ام، I ام از هر J ام از هر J حداقل

مقدار Xjimin ام از هر I متغیر Xji

نکته مهم در این مدل این است که شاخص‌های بکار رفته باید همسو و هم جهت باشند. و در نهایت برای پیدا کردن شاخص نهایی توسعه برای هر واحد از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$D.I = \frac{\sum Y_{ji}}{N}$$

تعداد شاخص است. n موریس و مجموع شاخص‌های ناموزون Yji غ شاخص نهایی توسعه D.I که در آن

مرحله اول: جمع آوری داده‌های مورد نیاز در این مرحله شاخص‌های مورد استفاده را مشخص نموده و بر اساس شاخص‌های انتخابی، داده‌های مورد نیاز با استفاده از آمارهای رسمی موجود و مطالعات میدانی جمع آوری می‌شود. نکته مهم در جمع آوری آمار و اطلاعات و تشکیل جداول اولیه این است که باید شاخص‌های به کار رفته، همسو و هم جهت باشد. بر این اساس به جمع آوری داده‌های مورد نیاز بر اساس ماتریس ذیل می‌پردازیم.

I J	i1	i2	i3	im
j1	Xj1i1			
j2		Xj2i2		
j3			Xj3i3	
.
.
.
jn				xjnim

تعیین می‌شود که I از هر شاخص J در این مرحله میزان محرومیت و درجه توسعه یافتگی هر بر اساس رابطه ذیل به دست می‌آید:

در این جدول I ام‌ها معرف مولفه‌های تحقیق و J ام‌های آن‌ها نواحی مورد بررسی در ارتباط با I ام‌هاست.

مرحله دوم: محاسبه شاخص ناموزون موريس یا تعیین میزان محرومیت یا درجه توسعه یافتگی ام

I J	i1 i2 i3 ۴ ۴... ۴۴۴... im
J1 J2 J3 : . . jn	$Y_{IJ} = \frac{x_{ji} - x_{jimin}}{x_{jimax} - x_{jimin}} \times 100$

مرحله سوم: محاسبه شاخص متوسط یا نهایی
توسعه
محاسبه شاخص متوسط محرومیت J ام‌ها بر اساس داده‌های هر I ام برای هر شاخص به شرح ذیل انجام می‌گیرد.
تعداد شاخص است. N
موريس و مجموع شاخص‌های ناموزون Yji غ
شاخص نهایی توسعه D.I

حداکثر J ام از هر I ام. Xjimax ام از هر J ام از هر J ام متغیر Xji
حداقل مقدار Xjimin ام از هر شاخص I ام طبق
تعریف حداکثر محرومیت (حداقل برخورداری)
معادل صفر و حداقل محرومیت (حداکثر برخورداری)
(معادل صد خواهد بود.

$$D.I = (\sum Y_{ij}) / N$$

شاخص توسعه روستاها	Yji1 Yji2 Yji3 Yjin	D.I
j1 j2 j3 : : : jn	$D.I = \frac{\sum Y_{ij}}{N}$	

۳. ارتباطی: ایستگاه اتوبوس، خط تاکسیرانی، دفتر/ صندوق پست، آژانس تاکسی تلفنی، مخابرات؛

۴. رفاهی: دهیاری، فروشگاه خواروبار، تعاونی روستایی، غسالخانه و گورستان، پاسگاه انتظامی، تعمیرگاه اتومبیل‌های سبک و سنگین، تعاونی روستایی، بانک، تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی؛

۵. خدمات آموزشی: دبستان مختلط، دبستان پسرانه، دبستان دخترانه، راهنمایی پسرانه، راهنمایی دخترانه، دبیرستان پسرانه، دبیرستان دخترانه، مهد کودک، کتابخانه عمومی، نهضت سوادآموزی، مرکز خدمات و ترویج کشاورزی؛

۶. خدمات فرهنگی - تفریحی: مسجد؛ حسینیه، کافی نت/ دفتر ICT روستایی، سالن یا زمین ورزش، پارک و فضای سبز، آثار ارزشمند تاریخی و مذهبی، مراعات و حیات وحش اطراف روستا؛

بر این اساس ابتدا در قالب اسکالوگرام، وضعیت برخورداری روستاها از خدمات آمده است.

که در این پژوهش برای بررسی میزان تاثیرگذاری برخورداری از خدمات بر زیست پذیری روستاهای مورد مطالعه، از منابع مختلف مانند سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و نیز پرسشنامه روستا که توسط دهیاران هر ۱۵ روستای مورد مطالعه تکمیل گردید، اطلاعات مربوط به ۴۶ نوع از خدمات عمومی در ۶ گروه خدمات زیربنایی، بهداشتی، ارتباطی، رفاهی، آموزشی و فرهنگی - تفریحی جمع آوری گردید. فهرست خدمات مورد بررسی بر اساس گروه بندی مذکور است:

۱. زیربنایی: گاز لوله کشی، آب لوله کشی سالم و بهداشتی، برق فشار قوی، راه آسفalte، جایگاه توزیع سوخت، پمپ بنزین، آتش نشانی؛
۲. بهداشتی: خانه/ مرکز بهداشت، داروخانه، دامپزشکی، شبکه بهداشتی جمع آوری و انتقال آب‌های سطحی، شبکه بهداشتی جمع آوری و انتقال فاضلاب، محل امحا و دفن بهداشتی زباله، محل مناسب دفن نخاله‌های ساختمانی؛

در ادامه به پیاده سازی مرحله به مرحله مدل موريس می‌پردازیم.

مرحله اول: جمع آوری داده‌های مورد نیاز در این مرحله مشخص می‌شود که هر یک از روستاها از خدمات موجود در گروه‌های شش گانه

به چه میزان بهره مند هستند. جدول ۴-۷ وضعیت برخورداری روستاهای مورد مطالعه را از خدمات مختلف نشان داده است.

جدول ۲- وضعیت برخورداری روستاهای مورد مطالعه از انواع خدمات

فرهنگی - تفریحی	آموزشی	رفاهی	ارتباطی	بهداشتی	زیربنایی	نوع خدمات نام روستا
۶	۳	۲	۴	۲	۴	احمدآباد وسط
۶	۴	۴	۲	۲	۴	جعفرآباد اخوان
۳	۳	۲	۱	۱	۳	علی آباد فرسوده
۵	۵	۵	۳	۲	۴	ریحان آباد
۴	۶	۳	۴	۱	۴	ولی آباد
۱	۵	۲	۲	۱	۴	امین آباد
۶	۱	۵	۱	۲	۵	محمدآباد
۴	۷	۴	۳	۲	۴	داودآباد
۲	۴	۸	۴	۴	۴	قشلاق جیتو
۱	۶	۷	۳	۲	۴	قشلاق شهدی ابوالحسن
۴	۸	۴	۱	۲	۴	قشلاق شهدی محمد
۲	۵	۳	۱	۱	۳	حبیب آباد
۱	۱	۲	۱	۰	۳	قاسم آباد
۱	۱	۲	۱	۰	۳	دربالا
۳	۱	۱	۲	۳	۳	حصارقاضی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

در این مرحله شاخص محرومیت هر روستا مشخص می‌شود که در جدول نشان داده شده است:

مرحله دوم: محاسبه شاخص ناموزون موريس یا تعیین میزان محرومیت یا درجه توسعه یافتگی

جدول ۳ - شاخص محرومیت روستاهای مورد مطالعه

رتبه	D.I	فرهنگی - تفریحی	آموزشی	رفاهی	ارتباطی	بهداشتی	زیربنایی	نوع خدمات نام روستا
۴	۵۷	۱۰۰	۲۸	۱۴	۱۰۰	۵۰	۵۰	احمدآباد وسط
۶	۵۲/۵	۱۰۰	۴۲	۴۲	۳۳	۵۰	۵۰	جعفرآباد اخوان
۱۳	۱۷/۸	۴۰	۲۸	۱۴	۰	۲۵	۰	علی آباد فرسوده
۲	۶۰	۸۰	۵۷	۵۷	۶۶	۵۰	۵۰	ریحان آباد
۵	۵۵/۶	۶۰	۷۱	۲۸	۱۰۰	۲۵	۵۰	ولی آباد
۱۰	۲۹/۸	۰	۵۷	۱۴	۳۳	۲۵	۵۰	امین آباد
۷	۵۱/۱	۱۰۰	۰	۵۷	۰	۵۰	۱۰۰	محمدآباد
۳	۵۸/۸	۶۰	۸۵	۴۲	۶۶	۵۰	۵۰	داودآباد
۱	۶۸/۶	۲۰	۴۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	قشلاق جیتو
۹	۴۱/۸	۰	۷۱	۱۴	۶۶	۵۰	۵۰	قشلاق مشهدی ابوالحسن
۸	۵۰/۳	۶۰	۱۰۰	۴۲	۰	۵۰	۵۰	قشلاق مشهدی محمد
۱۲	۲۱/۶	۲۰	۵۷	۲۸	۰	۲۵	۰	حبیب آباد
۱۴	۲/۳	۰	۰	۱۴	۰	۰	۰	قاسم آباد
۱۴	۲/۳	۰	۰	۱۴	۰	۰	۰	دربالا
۱۱	۲۸	۶۰	۰	۰	۳۳	۷۵	۰	حصارقاضی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

اما در ادامه برای تعیین رابطه بین برخورداری خدماتی در روستاهای مورد مطالعه با سطح زیست پذیری آنها، از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است. بدین ترتیب که بین نمره زیست پذیری هر روستا با ضریب توسعه یافتگی خدماتی آنها در روش مورس همبستگی برقرار شده است. نتیجه آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۴- همبستگی بین برخورداری خدماتی و زیست پذیری در روستاهای مورد مطالعه

		زیست پذیری	ضریب توسعه خدماتی
زیست پذیری	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۰۲۹
	سطح معناداری		۰/۹۱۷
	تعداد	۱۵	۱۵
ضریب توسعه خدماتی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۲۹	۱
	سطح معناداری	۰/۰۹۱۷	
	تعداد	۱۵	۱۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

اما همین همبستگی بین هر یک از ابعاد زیست پذیری با برخورداری خدماتی سنجیده شده است. چنانچه در جدول ۴-۵۰ ملاحظه می‌شود، بین هیچ کدام از ابعاد با برخورداری خدماتی ارتباط معنادار مشاهده نمی‌شود.

چنانچه ملاحظه می‌شود بین این دو رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. به طوری که یک ضریب همبستگی بسیار ضعیف یعنی ۰/۰۲۹ برقرار است که البته همان هم به دلیل قرار گرفتن سطح معناداری در محدوده بیش از ۰/۰۵ یعنی ۰/۹۱۷ فاقد معناداری قابل پذیرش از نظر آماری است.

جدول ۵- همبستگی بین برخورداری خدماتی و ابعاد زیست پذیری در روستاهای مورد مطالعه

ضریب همبستگی	سطح معناداری	همبستگی	برخورداری خدماتی بعد زیست پذیری
۰/۱۲۹	۰/۶۴۸	ندارد	اقتصادی
-۰/۰۸۱	۰/۷۷۵	ندارد	اجتماعی
۰/۱۱۲	۰/۶۹۱	ندارد	زیست محیطی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

روستاها نتوانسته است سبب افزایش زیست پذیری آنها گردد.

این یافته پژوهش حاضر، دقیقاً در تقابل با دیدگاه‌هایی است که به طور سنتی در فرایند برنامه ریزی خصوصاً در سکونتگاه‌های پیرامون شهری درصدد افزایش سطوح خدماتی بوده و بر این باورند که با این روش، می‌توان بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات موجود در آنها را بر طرف نمود.

منابع

۱. سعیدی، عباس (۱۳۸۲) روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری یک بررسی ادراکی، مجله علمی - پژوهشی جغرافیا، شماره پاییز و زمستان، صص ۹۲-۷۳.
2. Maslow, Abraham (1945) Motivation and personality, second edition, NY: Harper & Row.

نتیجه گیری

نکته جالب در ارتباط با امکانات و خدمات زیرساختی در روستاهای مورد مطالعه این است که یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین میزان برخورداری خدماتی و سطح زیست پذیری روستاها ارتباط معناداری برقرار نیست. مهمترین نکته‌ای که باید در اینجا بدان توجه نمود این است که برخوردارترین روستاها از نظر خدماتی روستاهایی هستند که دارای جمعیت بیشتری هستند و به عبارتی دارای نرخ مهاجرپذیری بالاتر و در نتیجه رشد جمعیت بیشتری بوده‌اند. از این رو دارای خدمات بیشتری هستند. اما همین فضای مهاجرنشینی و ضعف تعلق مکانی و نیز امنیت فردی و عمومی باعث افت سطح زیست پذیری در این روستاها شده است. به عبارتی افزایش میزان خدمات رسانی به این

13. Vergunst, Petra (2003) Liveability and ecological land use the challenge of localization, PhD Thesis in Department of Rural Development Studies, Swedish University of Agriculture.
14. Duyvendak, J.W., Veldboer, L (2000) Gelijkheid en verschil in het wonen over angst voor verlatting, protest tegen verdringing en de dreiging van vermindering van keuzevrijheid. In: Meindersma, M.C. (Ed.) Stadslab over stedelijke vernieuwing en herstructurering, ISBN 90-805919-1-2.
15. AARP (2005) Livable Communities: An Evaluation Guide, Public Policy Institute, Washington.
16. Veenhoven. R & Ouweneel. P (1995) LIVABILITY OF THE WELFARE-STATE: Appreciation-of-life and length-of-life in nations varying in state-welfare-effort, Social Indicators Research, vol 36, pp 1-49.
17. Van Kamp, I & Leidelmeijer.K & Marsman. G & de Hollander, A (2003) Urban environmental quality and human well-being Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, Landscape and Urban Planning 65, pp 5° 18.
18. Pryor, Robin (1968) Defining the rural-urban fringe, Social Forces, Vol 47, No 2, pp 202-215.
3. Radcliff, Benjamin (2001) Politics, markets and life satisfaction: The Political economy of human happiness, American Political Science Review, Vol 95, No 4, pp 939-955.
4. Evans. Peter (2002) Livable Cities: Urban Struggles for Livelihood and sustainability, Berkeley: University of California Press.
5. Florida, Richard (2002) The Rise of the creative class, NY: Basic Books/ Perseus Books.
6. Inglehart, Ronald (1990) Culture shift in advanced industrial society, Princeton NJ: Princeton University Press.
7. Florida, Richard (2002) The Rise of the creative class, NY: Basic Books/ Perseus Books.
8. Southworth, M. (2003) Measuring the livable city , Built Environment, Vol. 29, No. 4, pp. 343-354.
9. Hortulanus, R.P., 1996. Stadsbuurten een studie over bewoners en beheerders in buurten met uiteenlopende reputaties. VUGA, Den Haag.
10. Pacione, M., 1990. Urban liveability: a review. Urban Geogr. 11 (1), 1° 30.
11. RIVM (2000) De Hollander A.E.M., et al. 5e Nationale Milieu Verkenningen. RIVM, 2000. National Outlook, Summary in English.
12. United States Department of Transportation US DOT (2010) U.S. DOT STRATEGIC PLAN Transportation for a New Generation , US DOT.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی